ذره بین

«آرمان ملی» پرونده کرسنت را بازخوانی می‌کند

نگاهی به یک پرونده قدیمی

آرمان ملی- عماد موحد: کمتر کسی است که نداند پرونده کرسنت چه پرونده‌ای بوده است. این پرونده یکی از عجیب‌ترین و در عین حال پر مناقشه‌ترین پرونده‌هایی است که صرف نظر از اثری که در بخش‌هایی از سیاست منطقه‌ای داشته، سیاست داخلی را به دو بخش متضاد تقسیم کرده است. گروهی معتقدند که نتیجه این قرارداد موجب حیف و میل سرمایه کشور می‌شد و برای همین جلو این قرارداد را گرفتند و گروهی نظر دیگری دارند و معتقدند با اجرای این قرارداد بین ایران و امارات متحده عربی، ارتباط این دو کشور از حد معمول فراتر می‌رفت و امارات از نظر گاز به ایران وابسته می‌شد. سخنگوی وقت قوه قضاییه در آذرماه ۱۴۰۰ گفته بود: «پنج الی شش نفر به جزای نقدی و دو نفر به حبس محکوم شدند و اخیرا به اجرای احکام ارجاع شد. در بخشی دیگر از پرونده که مفتوح بود، ۸ نفر در پرونده به جرم تبانی در معاملات دولتی و اخذ رشوه متهم هستند». اتفاقاتی مانند رسیدگی به اخذ رشوه سال‌ها بعد از آن بود که کل قرارداد متوقف شده و شرکت اماراتی از ایران شکایت کرده بود. با شکایت شرکت طرف قرارداد، ایران محکوم به پرداخت جریمه شد. مطابق قرارداد کرسنت که حدود دو دهه قبل، فی مابین وزارت نفت ایران و شرکت اماراتی منعقد و مقرر شده بود، حدود ۵۰۰ میلیون متر مکعب گاز ترش میدان سلمان، از طریق احداث خطوط لوله در زیر دریا به کشور امارات منتقل شود. اجرای این قرارداد، ایران را به هاب گازی منطقه خلیج فارس تبدیل می‌کرد و امارات متحده عربی را در این زمینه به کشورمان وابسته کرده و ظرفیت‌های اقتصادی و امنیتی مهمی برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان می‌آورد. قبل از اجرای قرارداد، جریانی در مقابل آن ایستاد و اجازه عملیاتی شدن به آن نداد و به بهانه وقوع فساد در جریان انعقاد قرارداد، اجازه اجرای آن داده نشد. گازی که قرار بود به کشور امارات فروخته شود، طی دو دهه همچنان می‌سوزد. در سوی دیگر شرکت اماراتی کرسنت پترولیوم با طرح شکایت، به دادگاه بین‌المللی مدعی حدود بیست میلیارد دلار زیان شد. به نظر می‌رسد که حتی اگر فسادی در جریان قرارداد صورت گرفته بود، بهتر آن بود که بجای توقف آن قرارداد، موضوع از مجرای دادگاه دنبال شود چرا که این مسائل فقط در حیطه وظایف دادگاه است. افزون براین اگر اصراری بر ابطال این قرارداد بود، مطابق مفاد قرارداد مذکور مخالفان آن به راحتی می‌توانستند از طریق ارجاع پرونده به دادگاه‌های داخلی نسبت به ابطال قرارداد اقدام کنند، بدون آن که جریمه‌ای به طرف اماراتی پرداخت شود.

خائن یا خادم؟

در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳، مصطفی پورمحمدی به عنوان یکی از نامزدها، مساله کرسنت را پیش کشید و گفت: «در بحث کرسنت، سال ۸۱ قراردادی در دولت وقت تصویب شد. بنا شد از یک میدان مشترک گازی به نام سلمان، که میان ایران و امارات مشترک است، برداشت انجام شود. در سال ۸۷ هم به سازمان بازرسی رفتم. در این پروژه قرار بود گاز را بفروشیم و پول دریافت کنیم. چرا جلوی این کار را تا امروز گرفتیم؟ من امروز به ملت ایران اعلام می‌کنم این قرارداد، میلیاردها دلار منافع ملت را از دست ما گرفت و میلیاردها دلار خسارت به کشور وارد کرد. ۱۸ میلیارد دلار مطالبه شده و چند میلیارد دلار هم در دادگاه‌ها به تصویب رسیده است. سه سال است که آقای زنگنه تقاضای مناظره با آقای جلیلی را دارد؛ چرا پاسخ نمی‌دهد؟ یا حق با آقای زنگنه است یا حق با آقای جلیلی. اگر آقای زنگنه خائن است و به ملت خیانت کرده، باید پاسخ دهد». مناظره بین جلیلی و زنگنه چند بار دیگر هم مطرح شده است. یک سمت ماجرا در فایل تصویری به جلیلی و ژاکانی حمله می‌کند و آنها را به مناظره فرامی‌خواند، اما تقاضای برگزاری مناظره از سوی جلیلی با سکوت برگزار می‌شود تا اینکه در واکنشی اظهار می‌کند: «در بسیاری از مناظره‌ها و جلسات پرسش و پاسخ شرکت می‌کنم، اما برخی از مباحث فرصت بسیاری می‌خواهد و در یکی دو ساعت جمع نمی‌شود». به نوشته انتخاب در دوره احمدی نژاد در یک مرحله در قرارداد کرسنت بازنگری‌هایی صورت گرفت اما بازهم جلو اجرای آن گرفته شد. سعید جلیلی در واکنشی دیگر، زمانی که درخواست برای مناظره زیاد شد، گفته بود: جای متهم در دادگاه است نه در مناظره.

شفافیت و ابهام

درخواست‌های مکرر برای برگزاری مناظره و فراهم نشدن زمینه برگزاری آن که می‌توانسته جنبه‌های مبهم موضوع را باز کند، برخی سوالات را برجسته کرده و بی پاسخ نگه داشته است. مهم‌ترین سوال این است که با گذشت بالغ بر دو دهه، چرا درباره جنبه‌های آن روشنگری نمی‌شود؟ چرا دلیل توقف آن گفته نمی‌شود؟ چرا نسبت به محکومیت ایران به خاطر شکایت شرکت اماراتی هیچ واکنشی نشان داده نمی‌شود؟ عبدالرضا داوری، که زمانی مشاور احمدی نژاد بوده در یک گفت‌وگو مدعی شده است که در دوره آقای کردان قرار شد نسبت به این ماجرا تحقیق شود. او به نقل از نزدیکان کردان می‌گوید: آقای کردان در تحقیقات خود به نفوذ دشمنان در این پرونده واقف می‌شود اما قبل از آنکه تحقیقاتش به نتیجه برسد، ناگهان از دنیا می‌رود. داوری با انتخاب واژه‌ها و ترتیب جملات به شکل استفهامی می‌گوید که مرگ کردان به ماجرا ربط دارد.

«آرمان ملی» حملات به رئیس دولت اصلاحات را بررسی می‌کند

صلح شرفتمندانه رمز تخریب

علی مطهری: صحبت‌های آقای خاتمی دلسوزانه و همسو با نظام و رهبری بود

آرمان ملی- حمید شجاعی: شاید بتوان یکی از مشکلات جامعه که صرفا برای اکنون نیست و ریشه در سال‌ها پیش از این نیز دارد را بتوان افراد خودکارشناس پنداری نامید که به صرف اینکه تریبونی در اختیار دارند این اجازه را به خود می‌دهند که هر مقام، مسئول یا شخصیتی را به واسطه اظهارات تخریب و تخطئه زیر سوال ببرند. کم ندیدیم به ظاهر کارشناسان همه چیزدانی که در صداوسیما در مورد امور مختلف صحبت می‌کنند و تصور این دارند که فقط آنها می‌فهمند و سایرین درکی از موضوعات مطرح شده ندارند و جامعه به جهت تریبون داشتن باید حرف آنها را بخواند. در مسائل حکمرانی نظر می‌دهند، در باب چالش‌های اقتصادی کشور اظهار نظر می‌کنند و راهکار می‌دهند. کارشناس سیاست خارجی هستند و برای دستگاه سیاست خارجی نسخه می‌پیچند و خلاصه انگار در مقام تصمیم‌گیر و تصمیم ساز برای کشور هستند. در حالی که بخش زیادی از مشکل حل می‌شد وقتی هر کسی اندازه فهم، ادراک و دانش خود صحبت می‌کرد و اگر در حوزه‌ای تخصصی نداشت اساسا به آن بحث ورود نمی‌کرد چه رسد به اینکه اظهار نظرات کارشناسی کند. یا مجری یک برنامه در چه جایگاهی است که بخواهد به نقد اظهارات مسئولان یا شخصیت‌های فعلی و پیشین کشور بپردازد؟ واقعیت این است که جریانی بدون در نظر گرفتن تاکیدات بزرگان نظام مبنی بر حفظ وحدت و انسجام؛ تخریب مسئولان و شخصیت‌ها را دستور کار قرار داده است. حملات اخیر به مسعود پزشکیان؛ رئیس جمهور، محمد باقر قالیباف؛ رئیس هیأت مذاکره کننده و سیدعباس عراقچی؛ وزیر امور خارجه نمونه بارزی از این تخریب هدفمند مسئولان است. جریانی بسته و یکجانبه نگر که هر اظهارنظر یا سخنی که خلاف نظرش باشد حال از سمت هر مقام یا مسئولی مطرح شود را مورد هجمه و تخریب قرار می‌دهد و اساسا باوری به مفاهیمی چون منافع ملی و انسجام ملی ندارد. اظهارات اخیر حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی در خصوص مسائل جاری کشور دستاویز جدیدی برای این جریان در مسیر تخریب رئیس جمهور سابق بوده است.

خاتمی چه گفت؟

چندی پیش بود که حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی؛ رئیس جمهور اسبق کشورمان در جمع مشاورین خود اظهار داشت: «اینک بیش و پیش از هر چیز مردم و بخصوص نظام حکمرانی باید به صلاح ایران و ملت با همه تفاوت‌ها و تنوع‌هایش بیندیشند و مراقب باشند که فرصت‌های ارزنده توافق از دست نرود و خدای ناخواسته به تهدید مبدل نشود. آنچه اکنون باید مهم و مبنا باشد عبور از بحران‌ها و تنگناهاست. اکنون با صراحت می‌گویم با همه وجود طرفدار صلح شرافتمندانه‌ام». سخنانی بر مبنای واقعیات امروز جامعه که در مسیر تقویت انسجام و وحدت ملی ایراد شده و راهکاری برای بهبود شرایط کشور در حوزه‌های مختلف ارائه داد؛ اما مخالفان از آنجا که صرفا در پی تخریب هرکسی که از مذاکره و دیپلماسی صحبت می‌کند هستند رئیس دولت اصلاحات را نیز از انتقادات مخرب خود بی نصیب نگذاشتند و آتش توپخانه خود را علیه وی به راه انداختند. چنانکه فارس اظهارات خاتمی را تلاشی برای تغییر محاسبات سیاسی و ایجاد خطا، انحراف و آشوب خواند. محمد جعفر خسروی مجری برنامه خط مقاومت شبکه ۳ با حمله به رئیس جمهور اسبق گفت کدام مذاکره؟ کدام صلح؟ کدام شرافت؟ بسیج دانشجویی دانشگاه تهران نیز در بیانیه‌ای با انتقاد از مواضع خاتمی تأکید کرد که خاتمی به جای «طلبکاری» باید پاسخگوی نتایج مذاکرات و توافقات گذشته باشد. برخی حتی پا را فراتر نهاده و سخنان خاتمی را همسو با اسرائیل خوانده‌اند. حال جای پرسش است که چرا جریان خاص تندرو هیچ نگاهی در جهت مذاکره از سر عزت و اقتدار را نمی‌پذیرد و صرفا در صدد جنگی بی حد و پایان است؟ خاتمی که همواره منادی اسلام رحمانی بوده بارها از صلح امام حسن به عنوان راهکاری عقلانی برای عبور از گردنه‌های سخت و مشکلات یاد کرده است. اما گویا مخالفان هیچ وجهی از صلح را نمی‌پذیرند و صرفا جنگ را مطلوب می‌دانند. چنانکه رئیس دولت اصلاحات گفته است: «صلح را خیانت دانستن و صلح جوئی را خلاف مرام حسین بن علی(ع) معرفی کردن و نام حسین(ع) و حماسه جاودان او را بهانه قرار دادن برای توجیه و تحمیل خواسته‌های متوهمانه و تعرض به مذاکره و مذاکره کنندگان، به هیچ وجه با جوهر اسلام محمدی(ص) نسبتی ندارد». حال اینکه چرا جریانات مخالف پس از پزشکیان، قالیباف و عراقچی این بار سیدمحمد خاتمی را آماج حملات خود کرده‌اند، دلیلش کاملا واضح و مشخص است. اینکه خاتمی نیز موافق صلح از موضع شرافتمندانه است و جنگ به هر قیمتی را برنمی‌تابد. باید دید نفر بعدی که مورد تخریب این جریان حداقلی قرار می‌گیرد کیست.

صحبت‌های دلسوزانه خاتمی

یک نماینده ادوار مجلس با بیان اینکه صحبت‌های اخیر آقای خاتمی دلسوزانه بود، اظهار کرد: ایشان به درستی تاکید دارند که همچنان با تکیه بر تفاهم اولیه، مذاکرات را ادامه دهیم تا توافق نهایی حاصل شود، اما مشخص نکرده‌اند که در عمل چه باید کرد. آمریکا به رغم اینکه در بند ۵ تفاهم‌نامه پذیرفته بود که مدیریت تنگه هرمز با ترتیبات ایرانی انجام شود، مسیر جدیدی را در جنوب این آبراهه باز و کشتی‌ها را به سمت آن هدایت کرد. جماران نوشت؛ علی مطهری گفت: در چنین شرایطی، ایران نمی‌توانست دست روی دست بگذارد. برخوردی که جمهوری اسلامی با کشتی‌های خاطی انجام داد، در راستای اجرای تفاهم و حصول توافق نهایی بود، زیرا اگر ما در اینجا کوتاه بیاییم، سایر بندهای تفاهم نیز اجرا نخواهد شد. وی افزود: بنابراین من فکر می‌کنم اگر آقای خاتمی هم به عنوان کسی که دغدغه کاهش فشارها بر مردم را دارد، اکنون در جایگاه تصمیم‌گیران نظام قرار داشتند، همین کاری را می‌کردند که نیروهای مسلح ما انجام دادند. توصیه ایشان مبنی بر تلاش برای عدم از دست رفتن تفاهم و حرکت در چهارچوب مصالح ملی، اگرچه درست است، اما جنبه کلی‌گویی دارد و چگونگی انجام آن و نحوه برخورد با گستاخی‌های آمریکا را مشخص نمی‌کند. مطهری در خصوص کسانی که اظهارات اخیر خاتمی را همسویی با اسرائیل تعبیر کرده بودند، گفت: اتفاقا این اظهارات، همسویی با نظام و رهبری بود، کما اینکه رهبر انقلاب نیز تفاهم را تایید کرده و اجازه امضای آن را دادند تا از فشارهای وارده به مردم کاسته شود. البته کسانی هم که با تفاهم و مذاکره مخالف‌اند، در نوع خود دلسوز نظام هستند و در اظهارنظر آزاداند.

«آرمان ملی» از تغییر ماهیت «وفاق» گزارش می‌دهد

تندروها وفاق ملی را از معنا تهی کردند

آرمان ملی- مرتضی خبازیان: لایه تندروی جریان اصولگرا، از ابتدای طرح وفاق ملی که توسط مسعود پزشکیان ارائه شد، از مواهب آن بهره‌مند شدند و دولت حتی به قیمت دلخوری برخی از طرفداران خود، سهم ویژه‌ای برای تندروها در نظر گرفت. با این حال تفاوت در نگرش به مسائل سیاسی و اجتماعی بین دولت نزدیک به اصلاح طلبان و تندروهای پایداری، خیلی زود خود را نشان داد. بجز یکی دو چهره نزدیک به تندروها که توانستند به پزشکیان کارکنند، دیگر چهره‌های شناخته شده این جریان، به هیچ وجه حاضر به وفاق با دولت نشدند.

شکل‌گیری وفاق ملی

بعد از برگزاری انتخابات زودهنگام در سال ۱۴۰۳، با روی کار آمدن دولت مسعود پزشکیان، یک واژه جدید وارد ادبیات سیاسی کشور شد؛ وفاق ملی. چند مساله مهم موجب شد که پزشکیان این ایده را مطرح کند. مساله اول این بود که شکافی در سطح سیاسی قابل مشاهده بود و پزشکیان بر این نظر بود که باید هرچه زودتر این شکاف از بین برود. طرح مساله وفاق ملی در سطح اول ناظر بر شکاف بین نیروها و جریان‌های سیاسی بود و در سطح دوم ناظر بر شکافی بود که در جامعه شکل می‌گرفت. از انتخابات سال ۹۸ به بعد استقبال از صندوق رای به گونه‌ای پیوسته در حال افول بود. برخی تحلیلگران دلیل عدم اقبال از صندوق‌های رای را دور شدن یک جبهه سیاسی از عرصه رقابت می‌دانستند. پیروزی پزشکیان در انتخابات سال ۱۴۰۳ از نظر پزشکیان فرصت مغتنمی بود که با طرح وفاق ملی از گسترش هرچه بیشتر شکاف جلوگیری شود. نکته دیگر، شرایط اقتصادی کشور بود. دولت چهاردهم کار خود را در وضعیتی آغاز می‌کرد که تورم کنترل شده در دولت اول روحانی، با خروج آمریکا از برجام و ناتوانی دولت سیزدهم از احیای آن، ناگهان سیر صعودی ترسناکی به خود گرفته بود. اقتصاد کشور با تورم بالا، تحریم‌ها و کسری بودجه دست به گریبان بود و این همه معیشت مردم را دچار مشکلات متعدد کرده بود. تصور پزشکیان این بود که اگر بتواند بین جریان‌های مختلف سیاسی کشور وفاق ایجاد کند، می‌تواند توان و انرژی همه جریان‌ها را در راستای هم قرار دهد و مشکلات کشور را با اجماع بین جریان‌ها حل کند. از این نظر اگر برنامه پزشکیان به نتیجه می‌رسید، به خاطر دست در کار بودن همه جریان‌های سیاسی، دولت در اجرای برنامه‌هایش با کارشکنی روبه‌رو نمی‌شد. در اینکه آیا تصور پزشکیان از همراهی جریان‌های سیاسی رقیب درست بوده یا نه، گذشت زمان جنبه‌های مختلف آن را نشان داد. پزشکیان بارها استدلال کرده بود که حل مسائل و مشکلات کشور بدون همکاری نهادهای مختلف و کاهش منازعات سیاسی ممکن نیست. او در سخنرانی خود به مناسبت آغاز به کار دولت به جنگ تمام عیار اقتصادی اشاره کرد و گفت که ضروری است در چنین شرایطی انسجام داخلی خود را حفظ کنیم.

تصور اولیه پزشکیان

می‌توان گفت که ترکیب سیاسی نهادهای موثر در طرح مساله وفاق ملی نقش داشته است. پزشکیان در دورانی مسئولیت را به عهده گرفته بود که مجلس نه تنها در اختیار اصولگرایان بود، بلکه جریان پایداری نشان داده بود که در این مجلس و در کنار نماینده‌های معتدل اصولگرا، ساز خود را می‌زند و از قضا صدای بلندی هم دارد و به آسانی می‌تواند در راه اجرای برنامه‌های دولت کارشکنی کند. با توجه به تلاش تندروها در دوره رقابت‌های انتخاباتی و اینکه توانسته بودند رای قابل توجهی به دست آورند بعید نیست که پزشکیان به این فکر می‌کرده که قدرت را با تندروها و اصولگرایان تقسیم کند و با این کار هم از توانایی‌ها آنها استفاده کرده و هم دربرابر کارشکنی دولت را بیمه کند. هرچند خیلی زود اشتباه بودن این تصور روشن شد اما پزشکیان سعی کرد بر عهد خود بماند و بر وفاق ملی پافشاری و وفاق را به عنوان راهبردی برای تعامل با سایر نهادها و کاهش اصطکاک سیاسی دنبال کرد. پزشکیان نشان داد که قصد دارد از نیروهای سیاسی و مدیران با گرایش‌های مختلف استفاده کند. او اعلام کرد که معیار انتخاب مدیران را بیش از وابستگی جناحی، شایستگی می‌داند و حتی در معرفی کابینه و مدیران از افرادی با پیشینه‌های سیاسی متفاوت استفاده کرد. تفاوت دیدگاه او و این دست از مدیران خیلی زود خود را نشان داد. عموم رای دهندگان که از سابقه جریان مقابل خبر داشتند با تأنی و صبر به ماجرا نگاه می‌کردند اما هر چه زمان گذشت، سرسختی جریان مقابل بیشتر و بیشتر شد. در همین دوره پزشکیان در کنار واژه وفاق از ترکیب دعوا نکردن هم استفاده کرد اما تاثیر چندانی در جهت‌گیری نیروهای سیاسی مقابل نداشت. از نگاه حامیان دولت، شعار وفاق پاسخی به نیاز کشور برای کاهش تنش‌های سیاسی و ایجاد همکاری برای حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی بود اما پیشنهاد وفاق در جریان‌های سیاسی مقابل کارگر نیفتاد و آنها پیوسته از دولت انتظار داشتند که سهم بیشتری به آنها واگذار شود. زمانی که دولت هم از شدت وفاق کم کرد تا بتواند برنامه‌های خود پیش ببرد، برنامه‌هایی که برای آنها از مردم رای گرفته بود، جریان مقابل واژه وفاق را به شکل دیگر به‌کار برد. در ماجرای دور شدن برخی تندروها از ریاست کمیسیون‌های مجلس، منان رئیسی در همان یادداشتی که با عنوان شرف المکان بالمکین می‌نویسد: حذف حقیر از هیات رئیسه کمیسیون عمران بیش از آنکه به اعتبار حقیر لطمه بزند، به اعتبار کمیسیون تخصصی عمران لطمه می‌زند، در بخشی از یادداشت می‌نویسد: بعد از کنار گذاشته شدن برخی نمایندگان انقلابی از هیات رئیسه کمیسیون‌های مجلس (نظیر آقایان نبویان، ابراهیم رضایی و...)، بنده هم مشمول وفاق شدم و از هیات رئیسه کمیسیون تخصصی عمران کنار گذاشته شدم. یا یکی از کاربران در فضای مجازی در پیشانی مطلبی درباره تبرئه زنگنه در پرونده کرسنت با اهانتی دوجانبه نوشته است: بیژن زنگنه در پرونده کرسنت با وفاق تبرئه شد.

گزارش

سخنگوی قوه قضائیه خبر داد:

برخورد قاطع با برهم زنندگان انسجام ملی و امنیت روانی مردم

سخنگوی قوه قضائیه، با اشاره به تمدید حکم ریاست قوه قضائیه و با بیان اینکه حکم ریاست قوه قضائیه از سوی مقام معظم رهبری برای یک دوره پنج ساله دیگر اظهار داشت: از رهبر معظم انقلاب به‌دلیل تمدید حکم ریاست قوه قضائیه قدردانی می‌کنیم و این انتصاب را به حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای تبریک می‌گوییم. اعتماد دوباره رهبر معظم انقلاب برای سپردن مهم‌ترین مسئولیت قضایی کشور، سرمایه‌ای ارزشمند و مسئولیتی سنگین است. اصغر جهانگیر با تأکید بر تداوم مبارزه با فساد، گفت: همان‌گونه که دستگاه قضایی در سال‌های گذشته نشان داده است، در برخورد با فساد هیچ‌گونه مماشاتی نخواهد داشت. سخنگوی قوه قضائیه با تأکید بر اینکه حفظ وحدت و انسجام ملی تحت رهبری مقام معظم رهبری از خطوط قرمز دستگاه قضائی است، عنوان کرد: هرگونه اقدام یا رفتاری که به تضعیف وحدت ملی، قوای سه‌گانه یا نیروهای مسلح منجر شود، در صورت تداوم پس از تذکر، با برخورد قانونی دستگاه قضائی مواجه خواهد شد. وی تصریح کرد: همه باید مراقب باشند زمینه شکل‌گیری دوقطبی‌های کاذب در جامعه فراهم نشود، زیرا این روند در تضاد با وحدت و انسجام ملی است. هر صدایی که موجب تضعیف قوای سه‌گانه یا نیروهای مسلح شود، در راستای خواست دشمن ارزیابی می‌شود و نباید به آن دامن زده شود. اگر افرادی با وجود تذکرات، همچنان وحدت ملی را هدف قرار دهند و رفتار خود را اصلاح نکنند، دستگاه قضایی مطابق وظایف قانونی خود با آنان برخورد خواهد کرد. جهانگیر درباره اولویت‌های قوه قضائیه در حوزه فضای مجازی، اظهار کرد: سیاست‌گذاری و تعیین راهبردهای این حوزه بر عهده شورای عالی فضای مجازی است و این شورا وظیفه تقسیم کار و تعیین مسئولیت دستگاه‌ها را بر عهده دارد. وی افزود: قوه قضائیه نسبت به فضای مجازی حساسیت ویژه‌ای دارد و به همین منظور، معاونت فضای مجازی و رصد فضای مجازی در دادستانی کل کشور به‌صورت تخصصی این حوزه را دنبال می‌کند. وی درباره آخرین وضعیت پرونده رضا پهلوی و عوامل رسانه‌های ایران اینترنشنال و من‌وتو با توجه به صدور کیفرخواست، اظهار کرد: بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، این افراد از طریق شبکه‌های وابسته به خود در داخل کشور، مردم را به خشونت، درگیری‌های شهری، حمله به اماکن عمومی و دولتی، آتش‌زدن مساجد و قرآن و ارتکاب اقدامات خشونت‌آمیز تشویق کرده‌اند. سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به ابعاد حقوقی این پرونده گفت: از منظر حقوق بین‌الملل نیز این اقدامات قابل پیگیری است و رفتارهای متهمان با بند چهار ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد که بر ممنوعیت تهدید یا توسل به زور علیه استقلال و تمامیت ارضی کشورها تأکید دارد، مغایرت دارد. بر اساس تحقیقات انجام‌شده، متهمان علاوه بر ایجاد شبکه‌های تروریستی، درصدد انجام عملیات بمب‌گذاری و سایر اقدامات خرابکارانه نیز بوده‌اند. جهانگیر با تشریح اتهامات رضا پهلوی و دیگر متهمان این پرونده گفت: همکاری با دولت متخاصم، جاسوسی و همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، تشویق مردم به خشونت، جنگ و کشتار، هدایت و فرماندهی شبکه‌های تروریستی، مشارکت و معاونت در قتل شهروندان، زنان و کودکان، تخریب اموال عمومی، خصوصی و دولتی، آسیب به زیرساخت‌های کشور و همچنین ضربه به اقتصاد کشور، از جمله اتهامات مطرح‌شده در این پرونده است.

شناسایی ۳۰۰ نفر

جهانگیر درباره پرونده عوامل رسانه‌های ایران اینترنشنال و من‌وتو گفت: بر اساس گزارشی که از دادستانی تهران دریافت کرده‌ام، برای عوامل مرتبط با این دو شبکه نیز پرونده قضایی تشکیل شده است. تاکنون حدود ۳۰۰ نفر از اعضا و عوامل این دو شبکه شناسایی شده‌اند و پس از انجام تحقیقات، درباره آنان نیز کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارسال شده است. جهانگیر درباره اولویت‌های قوه قضاییه در دوره جدید خصوصا در حوزه مبارزه با مفاسد اقتصادی گفت: با تأکیدات رئیس قوه قضاییه در نشست‌های اخیر مسئولان عالی قضایی، در اجرای فرامین رهبر معظم انقلاب و رهنمودهای امام شهید که در بیانیه ۷ تیر مقام معظم رهبری مورد تاک ید قرار گرفت، اولویت‌های دستگاه قضایی در دوره جدید طراحی و پیگیری خواهد شد. برنامه‌های موفق و اثربخش با قوت ادامه می‌یابد و برنامه‌هایی که کارآمدی لازم را نداشته باشند یا با شرایط روز همخوانی نداشته باشند، مورد بازنگری قرار می‌گیرند. وی با تأکید بر برخورد قاطع با اخلالگران اقتصادی اظهار کرد: افرادی که با ایجاد کمبودهای مصنوعی، احتکار سازمان‌یافته، اخلال در بازار و سوءاستفاده از شرایط کشور به دنبال آسیب زدن به اقتصاد، امنیت روانی و انسجام اجتماعی هستند، با برخورد قاطع و عبرت‌آموز دستگاه قضایی مواجه خواهند شد. جهانگیر با تأکید بر حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید خاطرنشان کرد: مبارزه با فساد نباید موجب ایجاد ناامنی برای سرمایه‌گذاران و کارآفرینان شود. قوه قضاییه ضمن حمایت از سرمایه‌گذاری سالم و تولید، با هرگونه سوءاستفاده اقتصادی و اقدامات فسادزا برخورد قاطع خواهد کرد. جهانگیر درباره آخرین روند رسیدگی به پرونده‌های عباس عبدی و صادق زیباکلام اظهار کرد: در خصوص عباس عبدی، پرونده‌ای با اتهام نشر اکاذیب، ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه و انتشار مطالب خلاف واقع تشکیل شده که هم اکنون در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک تهران در حال رسیدگی است. وی افزود: درباره صادق زیباکلام نیز پرونده‌ای در دادسرای ویژه رسانه تشکیل شده که پس از صدور کیفرخواست، برای رسیدگی به شعبه اول دادگاه کیفری یک تهران ارسال شده و این پرونده نیز در مرحله رسیدگی و صدور رأی قرار دارد. جهانگیر ادامه داد: همچنین پرونده دیگری برای صادق زیباکلام با اتهام ارتکاب فعالیت رسانه‌ای برخلاف امنیت ملی در دادسرای ویژه رسانه تشکیل شده که پس از صدور کیفرخواست، به دادگاه انقلاب اسلامی ارسال شده است. تاکنون زمان رسیدگی به این پرونده تعیین نشده است و به محض برگزاری جلسه رسیدگی و نهایی شدن نتیجه، اطلاع‌رسانی لازم انجام خواهد شد.